



من پای قولم هستم آقا

در آستانه نیمه شعبان، چند کتاب خوب درباره امام عصر (عج)

برای گروه سنی کودک و نوجوان معرفی کرده ایم



خاطره بامزه محسن قرائتی از نیمه شعبان
من را خیط نکنی حاج آقا!

فرهنگ

شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۹۸ :: شماره ۵۳۶۳



پشت صحنه

روح شاد آقای شاعر

نه خبری از اینترنت بود به شکلی که این روزها مثل علف هرز تمام زندگی ما را پر کرده نه شبکه های اجتماعی و نه رسانه آنلاین. صحبت از يك و نیم تا دو دهه قبل است و زمانی که اوج تکنولوژی ارتباطی ما با گوشی های نوبه نویسی که مدام مدل جدیدشان بیرون می آمد بلوتوث بود. در همان وضعیت اما کلیپ های صوتی و تصویری يك نفر بد جور در گوشی های تلفن همراه دست به دست می شد. شاعری از خود بیخود شده با شمایی که به شمایل درویش ها و آدم های اهل دل می خورد پشت تریبون، حق می کرد و سروده و درد دل هایش را با همان لحن ساده و روان می خواند؛ خواندن آقای شاعر همان و به تلاطم انداختن ذهن و روان مخاطبانی که پای تریبونش زانو زده اند همان!

آقای شاعر حرفش را آن قدرها لابه لای استعارات و تکنیک ها و کنایات پیچاپیچ و تو در تو پنهان نمی کرد که مخاطب عادی و کوچه و خیابان چیزی از ابیاتش نفهمد. در همان حال اما به سبک بعضی نمونه های عامیانه هم قربان چشم و ابروی آنچنانی سوژه اش نمی رفت که مخاطب خاص را هم برهاند.

کاری ندارم به این که آقای شاعر بعضا لهیب شعله درونش خیلی شعله می کشید و بعضا ساحت ادبیات و شعر را تا ساحت سیاست هم نزدیک می کرد... کاری ندارم که حرف ها و انتقاداتی که راجع به این کار آقای شاعر به او وارد می کردند درست بود یا نه اما قطعاً نمی شود این را نادیده گرفت که سروده های محمدرضا آقاسی عام و خاص پسند بود.



نه آن قدر تکنیکال و فنی که مخاطب عام را دم دهد و نه آن قدر سطحی و روزمره و عادی که ذائقه مخاطب خاص را تلخ کند. اینها همه را گفتم که بگوییم: نمی شود از نیمه شعبان و جمرکان و حضرت ولی عصر (عج) سخن آورد و یادی از آقاسی نکرد. آقاسی حالا ۱۴ سالی است که میان ما نیست، اما سروده ها و ابیاتش هنوز نقل محافل و مجالس است:

دوش مرا حال خوشی دست داد
سینه ما را عطشی دست داد
نام تو بر دم لیم آتش گرفت
شعله به دامن سپاوش گرفت
نام تو آرامه جان من است
نامه تو خط او ان من است
ای نگهت خاست که آفتاب
بر من ظلمت زده يك شب بتاب
پرده برانداز ز چشم ترم
تا بتوانم به رخت بنگرم
ای نفست یار و مددکار ما
کی و کجا وعده ی دیدار ما



عمل مقابل بی عملی

مطلوب؛ که مسلم است این وضع مطلوب با دست قدرتمند ولی خدا، حضرت حجة بن الحسن، مهدی صاحب زمان عجل الله فرجه تحقق پیدا خواهد کرد.
انتظار، دست قاهر قدرتمند الهی ملکوتی است که باید بیاید و با کمک همین انسان ها سیطره ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را بلند کند؛ انسانها را بنده واقعی خدا بکند.
باید برای این کار آماده بود. تشکیل نظام جمهوری اسلامی یکی از مقدمات این حرکت عظیم تاریخی است. هر اقدامی در جهت استقرار عدالت، یک قدم به سمت آن هدف والا است. انتظار، معنایش این است. انتظار، حرکت است؛ انتظار، سکون نیست. انتظار، رها کردن و ننشستن برای اینکه کار به خودی خود صورت بگیرد، نیست. انتظار، حرکت است. انتظار، آمادگی است. این آمادگی را باید در وجود خودمان، در محیط پیرامون خودمان حفظ کنیم.
برگرفته از کتاب «انسان ۲۵۰ ساله» بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی - مبارزاتی ائمه معصومین (ع)

انتظار فرج، یک مفهوم بسیار وسیع و گسترده ای است. انتظار فرج یعنی اینکه بشریت اگر می بیند که طواغیت عالم، چپاولگری می کنند و افسار گسیخته به حق انسانها تعدی می کنند، نباید خیال کند که سرنوشت دنیا همین است. نباید تصور کند که بالاخره چاره ای نیست و بایستی به همین وضعیت تن داده؛ نه، بدانند که این وضعیت یک وضعیت گذراست و آن چیزی که متعلق به این عالم و طبیعت این عالم است، عبارت است از استقرار حکومت عدل؛ و او خواهد آمد.
انتظار فرج و گشایش، در نهایت دورانی که ما در آن قرار داریم و بشریت دچار ستم ها و آزارهاست، یک مصداق از انتظار فرج است. انتظار فرج را افضل اعمال دانسته اند؛ معلوم می شود انتظار، یک عمل است، بی عملی نیست. نباید اشتباه کرد، خیال کرد که انتظار، یعنی اینکه دست روی دست بگذاریم و منتظر بمانیم تا یک کاری بشود. انتظار، یک عمل است، یک آماده سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط و تحرک و پویایی است در همه زمینه ها.
انتظار یعنی قانع نشدن، قبول نکردن وضع موجود زندگی انسان و تلاش برای رسیدن به وضع